

## معماری منظر شهر تا طبیعت در محور فضای سبز باراجین قزوین

### آرزو بهنامی

کارشناس ارشد معماری، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی  
واحد قزوین

### مهرداد مستشاری محمص

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران و عضو هیات علمی  
مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی قزوین

### چکیده

شهر و طبیعت به عنوان دو قطب اصلی پرورش انسان در ابعاد مختلف همواره مورد نظر جوامع انسانی بوده و به عنوان دو سوی یکا زنجیره، موقعیت و جایگاهی ویژه در زندگی شهرنشینان ایفا نموده اند که با وجود داشتن تأثیرات متقابل، در اکثر موارد از رابطه ای منطقی و تعاملی صحیح برخوردار نبوده اند. بر همین اساس، مفاهیم «طبیعت»، «شهر» و «گذاری دو سویه میان این دو» به عنوان سه رکن اصلی این طرح شهری در نظر گرفته شده است؛ زیرا چنانچه طبیعت، ساختمایه اصلی شهر فرض شود، می توان از طریق کار با زمین و پهنه‌هایی که نیروهای طبیعی، شکلی و یا حرکتی در آنها جریان دارد، به شرایط جدید شهری - طبیعی دست یافت.

### واژگان کلیدی

شهر، طبیعت، انسان، رابطه متقابل، توسعه

شهری



## مقدمه

شهرها به منزله پوسته ثانوی زمین، می بایست عرصه ای برای ترکیب تعاریف معماری در آمیزه های متفاوت بوده و تأثیرات متقابل شرایط بومی و ساختارهای شهری و موضوعات انسانی را دربرگیرند. ولیکن امروزه شهر به صورت پدیده ای بیگانه با پوسته زمین، به سمتی گرایش یافته که برای تولید فضایی خالی، فضای موجود را به هم ریزد، و مقیاس آن را دوباره تعریف کند. پس شهر در همه جا حاضر و در عین حال گریزان است و به موجب این مشخصه است که به طور پیوسته افق مادی را می شکافد و به پیش می رود.

امروزه اگرچه طرح های جامع و تفصیلی، پاسخگویی به نیازهای آتی شهرها را مد نظر قرار داده اند، ولیکن در این میان توجه به رشد و توسعه شهری تنها با ادامه لایه های پیاپی از کاربریها نمود می یابد و این امر تا جایی پیش می رود که به دلایل خاص اجرایی و منطقه ای توقف اجباری حاصل گردد. به گونه ای که با مشاهده نقشه شهر تصور می شود که داخل و خارج شهر تنها از طریق یک محدوده مرزی، مشخص می شود، بدون اینکه به ارتباط منطقی این مناطق توجه کافی مبذول گردد. در صورتی که چنانچه به توسعه شهری به عنوان محرکی برای پویایی شهر و دگرگونی نواحی مرتبط نگریسته شود، جایگاه ویژه آن در طراحی شهری و هویت آن در تعامل با زیست محیط اطراف شهر به عنوان یک استراتژی شکل می گیرد. بدین معنی که پوسته زمینی شهر برای زیستن از یک سو به طور پیوسته با افق های دایماً متغیر موجودیت یافته و از سوی دیگر با شرایط خاص زمین و فضا، زمین و آسمان و سیمای آنها، به صورت گره خورده باقی می ماند.

بر همین مبنا، توسعه شهر قزوین در ناحیه شمالی این شهر و طبیعت آن که دارای ارزشها و پتانسیل های خاص منطقه ای و فرامنطقه ای است، با رویکرد بازاندیشی در تحولات و توسعه شهری در قالب یک طراحی شهری - محیطی مد نظر قرار گرفته شده است، که در آن توسعه شهر در

ارتباطی متصل با عناصر طبیعی مطرح گردیده و شهر و طبیعت در دو سوی یک مسیر به گونه ای واقع می شوند تا علاوه بر حفظ حوزه ساختاری هر یک از این دو قطب مهم، پایداری و سازگاری نظام کالبدی فضایی آنها در محیطی مطلوب با عناصری متناسب فراهم آید.

## بیان مسأله و ضرورت

شهر قزوین را می توان به مانند باغ شهری تصور کرد که کالبد و هسته ساختار آن در هاله ای از باغات پیرامون قرار دارد که شهر را از سه جانب شرقی، غربی و جنوبی در بر گرفته اند. البته در گذشته این باغات شمال شهر را نیز در بر می گرفته و به طور کلی شهر هسته ای بوده که یک ردیف از باغات و سپس ردیفی از کشتزارها و زمینهای کشاورزی آن را احاطه می کرده است.

در محور شمال شهر قزوین باغات سنتی و زمینهای کشاورزی به نواحی کوهستانی و همچنین تپه هایی که پارک کوهستانی باراجین در آن واقع است، می پیوسته و ارتباط فضای سبز شهری را با این نواحی برقرار می نموده است، و از این میان ارتباط پیاده مردم با کوهستان توسط جاده باراجین برقرار می شده است که از دیرباز مسیری آشنا برای اهالی شهر قزوین بوده و گذران اوقات فراغت خصوصاً در روزهای پایانی هفته به عنوان یک مقصد برون شهری با مسیری پرتردد در این منطقه به صورت سنتی پابرجا درآمده است. این جاده که در واقع مرز غربی سایت مورد نظر را ایجاد می کند به همراه رودخانه و طبیعت پیرامونش و با وجود امامزاده ای در روستای ییلاقی باراجین و آب و هوای مناسب باعث شده تا در گذشته مردم با پای پیاده و یا با درشکه جهت اقامت کوتاه و یا بلندمدت به این منطقه بیایند. امروزه نیز توجه به امر جاذبه طبیعت و اهمیت مسیر باراجین به دلایل گوناگون از جمله خصوصیات مذهبی، تفریحی، ورزشی، فراغتی، ارتباطی، توریستی موجب گردیده که با وجود قرار گرفتن قزوین بر سر چندین شاهراه با نوع آب و هوایی، همچنان مسیر باراجین به عنوان



۱. ایجاد یک معماری گذار مابین شهر قزوین و طبیعت واقع در شمال آن توسط طرحی شامل کاربریهای ویژه و خاص که موجب اتصال بیش از پیش این دو قطب ارزشمند گردد.

۲. تغییر ماهیت مرز تعریف شده مابین شهر و طبیعت در طرح تفصیلی که دارای ساختاری ناپایدار در برابر توسعه های امروزه بوده و همواره به شکلی نامطلوب و با اضافه شدن لایه های پیاپی در حال پیشروی خطی به سمت طبیعت می باشد.

۳. تجدید نظر در اولویت های کاربری زمین به منظور ایجاد عرصه های متنوع، سبز، امن، خوشایند و کاربریهای چند منظوره در مجاورت با گرّه ها و شبکه های مهم دسترسی منطقه.

۴. تکیه بر اصل نزدیکترین دسترسی به اهداف زیست محیطی و امکان پذیر ساختن دستیابی ها از طریق پیاده روی، دوچرخه سواری و مانند آنها.

۵. مرمت و استفاده دوباره از محدوده های برون شهری به ویژه نهرها، خطوط ساحلی، پستی و بلندی های اطراف شهر و رود ها.

۶. تقویت کشاورزی محلی، طرح های فضای سبز شهری و زراعت کوچک شهری.

۷. همیاری با مسوولان برنامه ریزی منطقه جهت ترویج فعالیت های اقتصادی بوم دوستانه.

۸. افزایش معلومات مردم درباره ویژگی های زیستی منطقه، از طریق ایجاد انگیزه و تمایل برای بهره مندی از زیباییهای طبیعی و مصنوعی که با کالبد و طرحی خاص، حساسیت عمومی را نسبت به حفظ محیط زیست و زندگی با شرایط توسعه پایدار بیفزاید.

### مبانی نظری در ارتباط با طرح

بررسی ها نشان می دهد که در طبیعت، عادی ترین نقوش بر عهده «لکه» و «مسیر» است. لکه شامل مخلوطی از عناصر است که درک نموده اند که چگونه در کنار هم زندگی کنند و انواع روابط همزیگری را تجربه کنند و در این میان مسیرها نیز بیشتر مناطق انتقالی هستند. این بحث لکه و مسیر، مدل خوبی برای برنامه ریزی براساس شرایط

اولین انتخاب حدود ۸۰% مردم جهت گذران اوقات فراغت در خارج از شهر باشد. همچنین توسعه شهر به سمت شمال، احداث مجتمع های خدماتی تفریحی اولیه و شوق مردم به کوه و کوهنوردی بر اهمیت این محور افزوده است. اما از آنجایی که در طول زمان بنا به دلایل مختلفی مانند جنس و شیب مناسب زمین، توسعه شهر به سمت شمال صورت گرفته، باغهای شمال شهر رفته رفته نابود شده و تنها بقایایی از آنها باقی مانده است. در این اواخر نیز با احداث بزرگراه ترانزیتی قزوین زنجان عامل مهمی در جهت قطع ارتباط بیشتر شهر و کوهستانهای واقع در شمال شهر ایجاد شده است. به هر حال بافت پیرامونی جاده اصلی که در حال حاضر از شهر به طرف سایت امتداد دارد جزء مناطق برنامه ریزی شده می باشد که در صورت توسعه آتی شهر به شکلی که در طرح تفصیلی منظور شده است یعنی در قسمت شمالی بزرگراه تهران زنجان، پارک باراجین واقع در ناحیه شمالی سایت، به بافت شهری متصل خواهد شد و طبیعت شمالی و پارک باراجین در میان بافت شهری محصور خواهد شد و ویژگی طبیعی پیرامون آن از بین خواهد رفت.

### اهداف

امروزه بوم شناسی اجتماعی، جامعه انسانی را به عنوان نوعی کلیت در کنار طبیعت قرار می دهد تا با استفاده بهینه از انرژی و فن آوری مناسب، علاوه بر حفظ محیط زیست، ساختن جامعه ای بوم دوستانه و هماهنگ با طبیعت را میسر سازد. ایجاد عرصه ای که از یک سو بر طبق مشخصه های طبیعی زمین و زندگی طبیعی منطقه و از سوی دیگر بر طبق الزامات انسانی مشخص و تعریف شود. منطقه ای که طبیعت و قانونگذار بشری هر چند بنا به شرایط خاص هر مقطع و با شدت و ضعف های گوناگون ولیکن به موازات یکدیگر به وضع قوانین پردازند، تا با جلوگیری از ادامه تخریب سامانه های طبیعی و همراهی و باز سازی طبیعت به تبیین اهداف سامانه های انسانی منجر گردد. بر همین اساس در این طرح دستیابی به اهداف ذیل مد نظر قرار دارد:



در جایی کاملاً از محیط خود مجزا می‌شود و در جایی دیگر در زیر طبیعت فرو می‌رود برای مثال وقتی بناها به بیرون شهر و محیط طبیعی انتقال می‌یابد، طبیعت در آنها تأثیر می‌گذارد و مرکزیت آنها را از بین می‌برد و مفاهیم فرمی و زوایای پویا برای ایجاد توجه بیشتر به خارج و طبیعت بیرونی به کار می‌رود. در نهایت امر بر پایه همین اصول امکان حضور انسان و طبیعت در کالبد این معماری میسر می‌گردد و طرح به تدریج جزئی از طبیعت می‌شود و ساختمان‌ها، زمین را به عنوان محل سکونت به انسان نزدیک می‌کنند.

در مجموع این طرح بر این باور است که اگر قرار است بین معماری و محیط زیست مصالح‌های روی دهد، باید کانال‌های جدیدی برای ارتباط باز شود و هر دو جانب برای گفتگو آماده باشند. یافتن زبان مشترک ضروری است. گاهی، این گفتگو نوعی تبادل تعارف خواهد بود، در مواقعی دیگر، مناظره‌ای هیجان‌انگیز. گاهی، محیط به ساختمان می‌گوید چه باید انجام دهد. در مواقع دیگر، ساختمان صدایی رساتر و پیام‌هایی مهم‌تر خواهد داشت.

### بحث

هر معماری را نمی‌توان معماری گذار دانست و هر معماری گذار نیز با دیگری متفاوت است. معماری گذار همچون که از نامش پیداست، معماری است که حرکت را القا کند و این حرکت مستلزم مبدأ و مقصدی است و از آنجا که هر رفت، بازگشتی را به همراه دارد پس هر آغازی یک پایان و هر پایانی خود یک آغاز است. معماری گذار همچون پلی است که این آغاز و انتها را به هم پیوند می‌زند، اتصالی که سبب تقویت این دو نقطه می‌گردد و ارزشهای هر یک را غنای بیشتر می‌بخشد و در این میان خود نیز حاصلی است از ترکیب متناسب عناصر شاخص و تجزیه شده از دو سوی مسیر که اینک با فرمی جدید به ساختار این گذار منتج گردیده اند.

ولیکن هر دو نقطه‌ای نیز شایسته پیوند نیست و هر پیوندی الزاماً قدرت تحکیم بخشیدن به روابط دو سویه را ندارد. نقاطی که دارای شاخصه‌های خاص

محیط است. زیرا گونه‌های مختلف در یک جامعه طبیعی، با هم مخلوط می‌شوند، گاهی یک گونه بر دیگران غلبه می‌کند، اما در طبیعت سایر گونه‌ها به سختی حذف می‌شوند، همیشه مناطق انتقالی وجود دارند و تقریباً سیاست منطقه‌بندی یکسان، ناشدنی است.

بر همین اساس در این طرح که نوعی معماری حاصل از در هم جوشی ساخته‌های بشر و طبیعت است، جایگاه انسان از لحاظ مکانی و معنایی عرصه‌ای است ما بین زمین و آسمان که به عنوان شاخصه‌ای از سکونت‌ساختاری با قوانین و قواعد عقلی - با وجود تضادها و هماهنگی‌های متعدد - می‌تواند در روندی تکمیلی با طبیعت، موجب ارتقاء یکدیگر گردند. زیرا امروزه شهرسازی سریع، معماری را از یاری جستن از طبیعت باز می‌دارد و از سوی دیگر معماری صرف و بدون کمک شهرسازی به ایجاد فضاهای زیستی نامطلوبی منتج می‌گردد.

در این طرح، قوانین شهری و احساسات انسانی از یک سو و فرمها و تعبیر حاصله از طبیعت از سوی دیگر مجال همنشینی می‌یابند. فرم در برابر فضا، داخل در برابر خارج و طبیعت در برابر هندسه، مواردی هستند که در عرصه حاصل از این معماری فرصت ارتباطی متقابل و یا هم‌سو را درمی‌یابند بدون اینکه تمایل به حذف دیگری برای بقای خود وجود داشته باشد. در برخی موارد این معماری می‌کوشد تا طبیعت را محدود کند و در همین حال طبیعت نیز گاه معماری را محدود می‌کند ولیکن ساختمان استقلال و شخصیت خاص خود را داشته و در مقابل، طبیعت نیز از منطق خاص خود بهره مند است. برای مثال در زمانهایی که انسان در فضای معماری حضور ندارد، ملاقات‌کنندگان این فضا نور و سایه و باد به عنوان نمایندگان طبیعت هستند. مراجعانی که حرکت آنها در فضای درونی نیز قابلیت پویایی محیط را آشکارتر می‌سازد.

همخوانی بناها با شرایط طبیعی و محیطی از مزایای این طرح معماری آن است و از آنجاییکه این طرح زاینده خصوصیات محیط است، با منظره وسیع طبیعی اطراف همراه می‌شود، به شکلی که



ارتباط داشته باشند از این رو تلاش گردید تا شخصیت و سرشت بستری که در آن طراحی می شود به گونه ای عیان باشد. در طبیعت یک بستر و منظر هرگز ایستا و ساکن دیده نمی شود و همیشه موضوعاتی متحرک و پویا وجود دارد. به محض اینکه بادی بوزد درختان حرکت می کنند، خورشید سایه ها و ابرها در حرکت اند، ما انسان ها حرکت می کنیم و حیوانات و ماشینها نیز چنین اند. در دوره طولانی تر فصل ها را داریم که تغییراتی ملایم و بطئی را در محیط اطراف به وجود می آورند. یک ساختمان در این طرح، تمام این لحظات را تجربه می کند اگرچه خاموش ایستاده است، اما در محیط و بستر خود زندگی می کند که این بهره مندی از پویایی محیط و قابلیت تغییر مداوم کاملاً در این کار، نمایان گردید.

در طی این گذار بافت های ساختمانی متمایل به تجزیه شدن و شکستن به احجامی گردیده اند که در ابتدا از تجمع آنها شکل گرفته اند که این تجزیه شدن در راستای جذب و خزیدن بخشهایی از بافت به سمت طبیعت در تمام نماهای جانبی مشهود است. از این رو از انسجام بافت کاسته شده و به جای احجام پر و منسجم، فرورفتگی و بیرون زدگی هایی در حجم کلی بافت نمایان گردیده است. در ادامه این سیر احجام حاصله از این حرکت تدریجی نیز به عناصر تشکیل دهنده خود تجزیه گردیده اند. بنابراین در ادامه کار با صفحاتی در جهات گوناگون و در اشکال متعدد مواجه ایم که همان نماهای جانبی و فوقانی پیشین بوده ولیکن اینک با کاربریهای جدید که آرایه کننده فضاهایی نیمه محصورند. در طی این مسیر صفحات نیز به عناصر و مواد تشکیل دهنده خود تجزیه گردیده و به همراه عناصری چون نور، آب و سنگ حس جدیدی از فضا را القا می نمایند. در این مقطع از سیر حرکتی به منزلگاه جالبی می رسیم جایی که مواد و متریال خالص بودند. جایگاهی که آیا شهر است یا طبیعت! و از آن جالبتر اینکه این حرکت قابلیت بازگشت را دارد و بیننده می تواند این سیر تدریجی تحول را در بازگشت نیز حس نماید که البته این مورد از هر دو سوی این مسیر قابل درک بوده و در هر سیر و حرکت، پایان کار خود آغازی است و این مهم نیست که از کدام سوی مسیر این گذار را آغاز گردد.

خود باشد به گونه ای که با شنیدن نام آنها بتوان چندین ویژگی بارز را در ذهن مرور کرد می توانند اساس خوبی برای این موضوع باشند. هرچند که در این میان نیز توجه به نوع، علت و هدف گذار، انتخاب مبدا و مقصد را سهل تر می سازد و این امور لازم و ملزوم یکدیگرند. بنابراین معماری گذار براساس نقاط شاخص با قابلیت تجزیه پذیری و حرکتی دو سویه میان آنها موجودیت می یابد.

همان گونه که در بخشهای پیشین بیان گردید، محور باراجین در ناحیه شمالی شهر قزوین به عنوان سایت طراحی انتخاب شد. در ابتدا آنچه که در این طرح به انجام رسید جستجوی صبورانه و شخصی به منظور دستیابی به ساختار اولیه طرح بود. برای شروع ضمن آشنایی با شاخص های سایت و مفاهیم مرتبط با طرح به مبدای نیاز بود که به لحاظ ترکیبی از بافت مشخص و همگونی برخوردار باشد تا بتواند ساختار طرح را در خود ذوب نماید. از این رو کار از مکانی شروع شد که همانند سایر بافت های موجود در طرح تفصیلی و با توجه به منافع کاربردی، اقتصادی و... شهر طراحی گردیده است. بلوکی از شهر با خصوصیتی همچون تراکم ساختمانی، مسیرهای فرعی متعامد بر مسیرهای اصلی، فضاهای باز محدود، لبه، گره، نشانه و... که همگی نشان از یک بافت شهری را به همراه داشت و این شروع مناسبی بود تا جایکه طرح حرکت تدریجی و خزنده ای را آغاز نمود و به تدریج بافت شهری را به سمت شمال و طبیعت باراجین به لحاظ انسجام فرمی دچار تغییراتی نمود به گونه ای که ترکیب کلی بافت به لحاظ مورفولوژی یادآور فرم قبلی بافت بود ولیکن احجام متشکله آن در اثر جاذبه موجود در طبیعت و در همان راستا در حال تجزیه به عناصر تشکیل دهنده خود بودند، به گونه ای که بخشهایی از آنها با شدت و ضعف متغیر در اثر تمایل به ترکیب با طبیعت به سمت آن کشیده می شدند. که البته در این میان، توجه به استعارات طبیعت، استفاده بهینه از مصالح و نوع پرداختن به آنها در طراحی و ایجاد احجامی که از طریق توانایی برای دگرگونی، رشد و حرکت نزدیکی خاصی با طبیعت را القا کند، نیز بسیار حائز اهمیت بود. همچنین از آنجایی که لازم بود در این طرح ساختمان ها با محیط اطرافشان پیوستگی و



## روش تحقیق

۱. بررسی اهمیت محور سایت از جنبه های تاریخی، طبیعی، گردشگری، مذهبی و ...
۲. تهیه نقشه های توپوگرافی، عکس های هوایی سایت و ویژگیهای اقلیمی.
۳. تهیه استانداردها و قوانین شهری و نقشه تفصیلی شهر
۴. مطالعات مقدماتی در خصوص باغات سنتی، شهرسازی، فرهنگ و جامعه شناسی و معماری اقلیمی و طبیعی.
۵. مطالعات میدانی شامل بررسی منطقه ای طرح، تطبیق عکس های هوایی و نقشه های توپوگرافی با شرایط طبیعی و بررسی وضعیت باغات، اراضی کشاورزی و نحوه استفاده مراجعین از اماکن گردشگری و مذهبی سایت طرح.
۶. بررسی چگونگی ارتباط شهر با طبیعت در دو بخش وضع موجود و وضع مطلوب.
۷. مطالعه و تعیین کاربریهای مورد نیاز در سایت مورد نظر در تطابق با نیازهای منطقه در بخشهای متعدد از جمله عرصه های خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی.
۸. مکانیابی کاربریهای مورد نظر در سایت.

## نتیجه

حاصل و هدف این پروژه، تعبیر معنای طبیعت از گذرگاه معماری است آن نوع از معماری که فضا و چگونگی آن محور و اساس ساختار آنست و بر مبنای آسمان، زمین و بشر شکل و فرم می یابد، با تاکید بر این نکته که استفاده کنندگان در کنار فعالیت های اجتماعی خود به نوعی طبیعت را تجربه و احساس کنند. این معماری عرصه ای برای نمایش عناصر اصلی و ساختاری شهر و طبیعت است و با تقویت رابطه ما بین آنها، حضور انسان و طبیعت را در کالبد خویش نمایان می سازد.

## مدارک طرح

۱. تهیه پروژه مجلد مطالعاتی در ۳۷۵ صفحه.
۲. تهیه نقشه توپوگرافی سه بعدی از نقشه های دو بعدی سایت مورد نظر.
۳. تهیه نقشه سایت پلان.
۴. تهیه نقشه کار بریهای موجود در سایت شامل پلان ها، نماها، مقاطع و پرسپکتیوهای مربوطه در مقیاسهای متعدد.
۵. تهیه طرحهای سه بعدی بسیار متنوع و زیبا توسط نرم افزار ۳d max که در حدود ۲۰ شیت ۷۰\*۱۰۰ ارائه گردیده است.
۶. تهیه ۶ ماکت از سایت پلان و کاربریهای مورد نظر در مقیاس های متعدد و مورد نیاز.
۷. تهیه انیمیشن از طرح مورد نظر.



### نمونه ای از تصاویر طرح



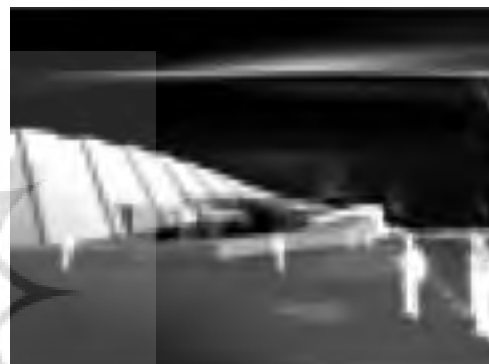
۲. تصویر ماکت خانه درختی از کاربریهای کوچک موجود در سایت مجموعه



۱. تصویر ماکت بخشی از سایت مجموعه



۴. تصویر سه بعدی از بخش گالری شماره یک در ترکیب با کاربریهای طراحی شده در مجاورت و بر روی رودخانه باراجین



۳. تصویر سه بعدی از بخش گالری شماره دو موجود در سایت مجموعه

## *Architecture in passing from City to Nature in Landscape of Barajin of Qazvin*

**A.Behnami ,M.Mostashari**

Qazvin Azad University

Agricultural Research Center of Qazvin

### **Abstract**

City and nature, as two main poles of training human being in different manner have been under account of man societies and as two sides of a chain has special situation in life of city dwellers that with bilateral effects, has no logical relationships.

In that case, concepts of nature, city and relations between these two, are considered as three main branches of this urban plan, because if nature is considered as main structure of city, then we can reach to new situation of urban-natural, via work on lands which natural, shaped and movable powers are existed on.

